

جایگاه ژئوپلیتیکی خلیج فارس در راهبرد و الگوی امنیتی جمهوری اسلامی ایران

سروش امیری*

غفار زارعی^۲

چکیده

تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین سیستم‌های امنیتی و ترانزیت انرژی در جهان است. اما، تنگه هرمز دارای یک سیستم امنیتی بسیار شکننده است. تفاوت‌ها و منافع متنوع بین دولت‌های منطقه‌ای و حضور دائم نیروهای آمریکایی طبیعت و ساختار سیستم امنیتی آن را پیچیده می‌سازد. هدف اصلی این مقاله تحلیل مهم‌ترین متغیرهایی است که سیستم امنیتی خلیج فارس را با تمرکز بر ویژگی‌های ژئوپلیتیکی منطقه شکل می‌دهد. روش: این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخ به این سؤال است که جایگاه ژئوپلیتیکی تنگه هرمز در راهبرد جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟ مقاله حاضر ضمن شناسایی مؤلفه‌ها و شرایط حاکم بر تنگه هرمز سعی دارد راهکارهایی را در جهت کنترل و جلوگیری از آسیب‌پذیری ناشی از این چالش‌ها منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای ارائه نماید طول تنگه هرمز ۱۵۸ کیلومتر و عرض آن از بندرعباس تا راس شوریط در عمان بین ۵۶ تا ۱۸۰ کیلومتر می‌باشد. در نتیجه بیشترین خط ساحلی آن در راستای کرانه‌های ایران قرار گرفته است. ایران با دارا بودن موقعیت ارزنده در ژئوپلیتیک خلیج فارس و تنگه هرمز، می‌تواند با ایفای نقش مؤثری در امنیت منطقه‌ای و جهانی و پیوند زدن منافع و امنیت ملی خود به امنیت جهانی، منافع و امنیت ملی خود را نیز تأمین نماید.

واژگان کلیدی: رهیافت ژئوپلیتیک، امنیت منطقه، تنگه هرمز، جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

۱. دکتری روابط بین‌الملل و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، تهران، ایران

* Suroush.jnu@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم سیاسی واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۱

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره پیاپی سی و چهارم، صص ۱۴۵-۱۱۵

خلیج فارس دریای نیم‌بسته‌ای است که همراه با ذخایر عظیم نفت و گاز و آبریان در ضلع جنوبی ایران قرار گرفته است و بخش قابل توجهی از فضای جغرافیایی آن شامل زیر بستر، بستر، آب‌ها، هوا و فضای فوقانی در قلمرو مالکیت، حاکمیت و صلاحیت کشور ایران قرار دارد. تنگه هرمز واقع در جنوب ایران و آبراه متصل کننده خلیج فارس به دریای عمان و آب‌های آزاد است. این تنگه کشورهای حاشیه خلیج فارس و سایر کشورهای جهان در حوزه تجارت، کشتیرانی و انرژی را به همه متصل می‌کند، در کنار سایر این تنگنهای بین‌المللی، تنگه هرمز بطور خاص در طی دوره‌های تاریخی دارای اهمیت ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک، ژئوپلتیک بوده است و با توجه به جایگاه بین‌المللی این تنگه، نقش مهمی در سیاست بین‌الملل ایفا می‌کند. این تنگه آبراهه‌ای است که ایران و عمان را از یکدیگر جدا و خلیج فارس را به دریای عمان و دریای عرب متصل می‌کند. باریک‌ترین نقطه آن ۲۱ مایل (۳۳٫۸۰ کیلومتر) پهنا دارد، اما کشتی‌ها تنها در یک پهنا ۲ مایلی می‌توانند تردد کنند. از این جهت تنگه هرمز در نظریات ژئوپلیتیکی جایگاه ویژه‌ای دارد. بر اساس نظریه اسپایکمن، هرکس که ریمل‌اند (حاشیه زمین) را کنترل کند، دنیا را کنترل خواهد کرد. نظریه ریمل‌اند با تغییراتی در نظریه هارتلند (قلب زمین) با کشف نفت در جنوب ایران در آغاز قرن بیستم، توجه دولت ایران معطوف به خلیج فارس شد. از این زمان به بعد منافع ملی ایران در خلیج فارس متمرکز گردید. با افزایش صادرات نفت سرمایه‌گذاری‌های زیادی در مناطق جنوبی کشور صورت گرفت. به موازات آن با افزایش درآمدهای نفتی ایران بر حجم واردات کشور نیز که عمدتاً از خلیج فارس صورت می‌گرفت افزوده شد، به طوری که از آغاز دهه ۱۹۷۰ خلیج فارس و تنگه هرمز شریان حیاتی کشور نام گرفت.

طبق برآورد اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده، میزان انتقال نفت از تنگه هرمز به رکورد ۱۸ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه نفت در روز رسید، که در مقایسه با سال میلادی قبل از آن ۹ درصد بیشتر بود. از این رو، حدود ۳۰ درصد انتقال دریایی نفت خام جهان از طریق تنگه هرمز انجام می‌شود. طبق برآورد شرکت تحلیل داده‌های نفتی «وُرتکسا»،

1. The margin of land
2. The heart Land

میزان انتقال نفت خام و میعانات گازی از مسیر تنگه هرمز در سال ۲۰۱۷ میلادی حدود ۱۷ میلیون و دویست هزار بشکه در روز، و در شش ماهه نخست سال ۲۰۱۸ نیز حدود ۱۷ میلیون و چهارصد هزار بشکه در روز به نقل از اداره اطلاعات انرژی آمریکا بوده است.

هدف این مقاله بررسی جایگاه راهبردی-ژئوپلیتیکی تنگه هرمز برای جمهوری اسلامی ایران است. خلیج فارس به طور اعم و تنگه هرمز به طور اخص، همواره به لحاظ ترانزیتی، موقعیتی سوق الجیشی داشته و به همین دلیل، بازیگران جویای قدرت، درصدد بوده‌اند تا بر آن تسلط یابند زیرا مسلماً در صورت دستیابی به چنین موقعیتی، دولت فاتح در موقعیت برتر نسبت به رقبا قرار خواهد گرفت. با این پیش‌زمینه می‌توان علت درگیری هلند، پرتغال و بریتانیا در دوره استعمار برای تسلط بر این آبراه جهانی را به درستی متوجه شد. در آن دوره البته، بحث انرژی و نفت، چندان موضوعیت نداشت و تنها، موقعیت ترانزیتی خلیج فارس بوده که قدرت‌های استعمارگر را به این خطه می‌کشانده است. اما پس از جنگ جهانی دوم و مطرح شدن نفت به عنوان یکی از قطب‌های زندگی بشر، بحث انرژی هم مزید بر علت شد تا قدرت‌ها، به خلیج فارس چشم بدوزند. در این بین، ایران، با توجه به موقعیت طبیعی خود، (با احتساب ساحل جزایر)، نزدیک به ۱۸۰۰ کیلومتر ساحل در خلیج فارس دارد و یکی از دو دولت همسایه تنگه هرمز است. همین موضوع، اهرم فشار خدادادی به جمهوری اسلامی برای مقابله با فشارهای بین‌المللی داده است. مقاله حاضر ضمن تشریح تبیین امنیت ژئواستراتژیکی خلیج فارس بر این امر اذعان می‌کند که ترتیبات امنیت جمعی و ژئواستراتژیکی برای خلیج فارس یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر خواهد بود که این امر می‌تواند بر اساس الگوی امنیت جمعی و همگرایی و همکاری اشتراکی بر اساس عوامل همگرایی باشد راهبرد جمهوری اسلامی ایران همین است مگر اینکه بازیگران منطق‌هایی و فرا منطق‌هایی در جهت کوتاه کردن دست ایران از حقوق قانونی‌اش باشند. از آنجایی که هرگونه تلاش برای محدود کردن یا توقف حمل‌ونقل از طریق تنگه هرمز به وضوح به عنوان یک اقدام تحریک‌آمیز توجیه‌کننده مداخله نظامی دیده می‌شود، بسیار نامحتمل است که ایران در این زمینه اقدامات جدی انجام دهد. در عوض، ایران

به احتمال زیاد به دنبال افزایش تدریجی محدودیت‌هایی خواهد بود که مبنای تفسیر قانونی آن از کنوانسیون حقوق دریای ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد است، که به ایران برای کنترل "آب‌های مرزی" به گستردگی حداکثر ۱۲ مایل دریایی فراتر از خط ساحلی خود مجوز می‌دهد. هر کشتی که از مسیرهای شمال و شرق از تنگه هرمز برای دسترسی به خلیج فارس استفاده می‌کند، باید از طریق آب‌های داخلی ایران عبور کند. بر اساس این کنوانسیون، ایران مجاز است تا مانع از ترانزیت آزاد برای کشورهای مانند ایالات متحده که کنوانسیون را تصویب نکرده‌اند، شود. اگر ایالات متحده مانع حمل و نقل دریایی ایران شامل محمولات نفتی شود، به احتمال زیاد ایران تنگه هرمز را به روی دریانوردی ایالات متحده، با اشاره به کنوانسیون ۱۹۸۲ به عنوان توجیهی برای آن، خواهد بست.

۱. چهارچوب نظری

۱-۱. پیشینه پژوهش

صادقی؛ دهقانی فیروزآبادی؛ آجیلی (۱۳۹۸). انرژی به عنوان یک متغیر ژئوپلیتیک، جایگاه ویژه‌ای را در روابط قدرت در نظام جهانی معاصر باز کرده و دسترسی به منابع انرژی برای تمامی سطوح سلسله مراتبی قدرت جهان، اهمیتی استراتژیک پیدا کرده است. از این رو، هر یک از بازیگران نظام جهانی به دنبال تعریفی معقول از جایگاه دیپلماسی انرژی خود در جهان می‌باشند. در این میان، ایران با واقع شدن در مرکز بیضی استراتژیک انرژی جهان و با در دست داشتن دومین منابع نفت خام و گاز طبیعی جهان از جایگاه مهمی در زمینه تحولات انرژی جهانی برخوردار می‌باشد.

عاشوری؛ عزتی؛ مرتضایی (۱۳۹۷) در مقاله می‌نویسد که امنیت خلیج فارس و تنگه هرمز یکی از مهم‌ترین متغیرهایی است که راهبردهای منطقه‌ای و بین‌المللی مختلفی از سوی ایران و کشورهای عرب منطقه و نیز قدرت‌های فرا منطقه‌ای برای آن ارائه گردیده است. راهبرد ایران برای امنیت این دو کانون مشارکت همه کشورهای منطقه برای تأمین امنیت آن‌ها و بازدارندگی در مقابل تهدیدات قدرت‌های فرا منطقه‌ای به سرکردگی امریکا است. هدف اصلی این مقاله بررسی و تحلیل ساختار امنیتی خلیج فارس و تنگه

هرمز در راستای الگوی امنیتی بازدارندگی با تأکید بر نقش راهبردی منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران است.

گودرزی؛ محمدزاده، (۱۳۹۶) در مقاله می‌نویسد که با توجه به اینکه تنگه هرمز از جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ویژه‌ای در سطح منطقه‌ای و جهانی برخوردار است و به‌عنوان یک شاه‌راه حیاتی در خلیج فارس محسوب می‌شود، در سیاست منطقه‌ای ایران دارای جایگاه مهم و تعیین‌کننده‌ای بوده و ایران درصدد بهره‌گیری از اهرم کنترل بر تنگه هرمز جهت مهار رقبای جهانی و منطقه‌ای خود بوده است. یافته‌های تحقیق به شیوه توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است.

عله پور؛ جانسیز؛ میرزایی (۱۳۹۵) در مقاله عنوان می‌دارد که نقش عامل خارجی بسیار پررنگ‌تر به نظر می‌رسد. به این ترتیب که آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر به‌عنوان بازیگری فرا مجموعه‌ای و بنا به اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک و همچنین منافع متعددی که در منطقه دارد با اقداماتی نظیر استقرار سامانه دفاع موشکی پاتریوت فضای امنیتی حاکم بر منطقه خلیج فارس را وارد فاز جدیدی کرده است.

کیانی (۱۳۹۴). در مقاله مطرح می‌نماید که زمینه‌های مناسب برای سازمان قدرتمند متشکل از همه کشورهای منطقه آماده است و تنها باید این زمینه‌های بالقوه را به توانمندی‌های بالفعل تبدیل کرد. چنین همکاری‌هایی می‌تواند امکان نقش‌آفرینی هر یک از این واحدهای سیاسی را در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی بیشتر کند.

شاهکویی؛ موسی‌زاده؛ خداداد؛ عمونیا سماکش (۱۳۹۴). یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که خلیج فارس در مرکز کشمکش‌های قدرت‌های جهانی قرار گرفته است. ایران می‌تواند با استفاده از قابلیت‌های بالقوه ژئوپلیتیک انرژی خود، ضمن کسب درآمد، از افزایش قدرت اقتصادی خود در راستای توسعه و افزایش قدرت ملی خود در همه ابعاد استفاده نماید.

فتوحی؛ حسین پور؛ اسلام فرد (۱۳۹۱) در مقاله می‌نویسد که خلیج فارس منطقه مهم اقتصادی و استراتژیکی است که در شرق خاورمیانه موقعیت دارد و به‌صورت آبراهی در امتداد دریای عمان و در میان ایران و شبه‌جزیره عربستان قرار دارد. خلیج فارس به دلیل دارا بودن ذخایر عظیم نفت و گاز موقعیت جغرافیایی موقعیت مطلوب اقتصادی و

استراتژیکی و داشتن یکی از بهترین قطب‌های صیادی و ماهیگیری و همچنین وجود تنگه هرمز که منطقه شریان حیات غرب به واسطه عبور نفت همیشه مورد توجه جهانیان بوده و هست.

طایر (۱۳۹۳) در مقاله تبیین علل اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز در امنیت ایران با تحلیل فرایند سلسله مراتبی می‌نویسد که منطقه خلیج فارس از زمان کشف و صدور نفت، و هم‌چنین تحولات در نظام‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی در کانون توجه قدرت‌های جهان مبدل کرده است. موقعیت حساس و استراتژیک ایران در منطقه خاورمیانه و وجود بحران‌ها و عدم ثبات سیاسی در کشورهای مجاور و وجود چالش‌های سیاسی با همسایگان استراتژیک باعث به وجود آمدن تهدیدهایی برای امنیت جمهوری اسلامی ایران می‌شود.

جواد ارجمند؛ جعفر؛ خانی (۱۳۹۱). در مقاله الگوی امنیت جمعی در خلیج فارس، سامانه مطلوب ژئواستراتژیک مبتنی بر عوامل همگرایی، به ترتیبات امنیت جمعی و ژئواستراتژیکی برای خلیج فارس به عنوان یک ضرورت بر اساس الگوی امنیت جمعی و همگرایی و همکاری اشتراکی بر اساس عوامل همگرایی می‌پردازد.

۱-۲. تعریف مفاهیم

ریشه لغوی تنگه هرمز: نام هرمز بنا بر منابع تاریخی در قدیم «هورموغ» بوده است. مغ در گویش بومی استان هرمزگان به معنای نخل است. از سویی برخی معتقدند که این واژه می‌تواند از ترکیب هور+موغ (موغستان) به معنی آبراهه موغستان (ایالت قدیم جنوب ایران یا میناب کنونی) ساخته شده باشد (دانشنامه اسلامی، ۱۳۹۸). واژه «راهبرد» که در فارسی جایگزین «استراتژی» شده، از گذشته‌های بسیار دور به عنوان یک مفهوم نظامی مطرح بوده است. «فرهنگ وبستر» مفهوم آن را این‌طور بیان کرده است: «راهبرد در یک جنگ برای رسیدن به نتیجه، علم و هنر آرایش و استقرار سپاه یکی از طرفین متخاصم است» (دیکشنری وبستر). ژئوپلیتیک مرکب از دو واژه «ژئو» به معنای زمین و «پلیتیک» به معنای سیاست است. در فارسی، معادل‌هایی مانند «سیاست

جغرافیایی"، "علم سیاست جغرافیایی" و "جغرافیا- سیاست شناسی" ذکر شده است در اصطلاح، "ژئوپلیتیک" رویکرد یا دیدگاهی برای سیاست خارجی است که هدف آن تبیین و پیش‌گویی رفتار سیاسی و توانایی‌های نظامی برحسب محیط طبیعی است. بنابراین رویکرد ژئوپلیتیک با تفاوت مراتب، بیانگر تأثیر قطعی و جبری جغرافیا در وقایع سیاسی هست (جک. سی، ۱۳۷۵: ۱۳۱). واژه "ژئوپلیتیک" برای اولین بار توسط رودولف کیلن که متأثر از اندیشه‌های جغرافیای سیاسی راتزل بود، در سال ۱۸۹۹ به کار گرفته شد. او عقیده داشت که ویژگی‌های، نظامی، سیاسی، و اقتصادی ملت‌ها متأثر از اشکال فیزیکی و محیطی کشورشان می‌باشد (حافظ نیا، ۱۳۹۳: ۷۳). ژئوپلیتیک تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست دولت‌هاست، عوامل جغرافیایی متعدد هستند و یکی از آن‌ها موقعیت جغرافیایی است (اصغر جعفر ولدانی، ۱۳۸۹: ۳۹).

۳-۱. مبانی نظری

نظریه‌های مربوط به ژئوپلیتیک تنگه هرمز و خلیج فارس را می‌توان چنین تقسیم‌بندی کرد. نظریه سرهالفورد مکیندر "هارتلند"، نظریه اسپایکمن "ریمل‌اند"، نظریه آلفرد تایرماهان "قدرت دریایی"، اس. بی کوهن "کمر بند شکننده". در اینجا ما فقط به نظریه هارتلند و ریمل‌اند چون در ارجحیت نظریه‌های ژئوپلیتیکی قرار دارند و همچنین از میان چارچوب‌های ترتیبات امنیتی سه نظریه و الگو، الگوی مشارکت جویان را که امروزه در مورد امنیت بین‌المللی بیشتر مطرح هستند، را به اختصار معرفی می‌شوند:

نقشه شماره ۱. مبانی نظری ژئوپلیتیک



تئوری هارتلند^۱ طبق نظریه سر هال مکیندر^۲ هر کس منابع انسانی و فیزیکی اوراسیا بین آلمان و سیبری مرکزی را در اختیار داشته باشد می‌تواند جهان را کنترل کند. این تئوری توسط سرهالفورد مکیندر در مقاله‌ای در سال ۱۹۰۴ و سپس در کتاب وی در سال ۱۹۱۹ منتشر شد (الهی، ۱۳۸۴: ۲۰). مکیندر قاره‌های اروپا و آسیا و افریقا به‌عنوان جزیره جهانی می‌شناخت و آن‌را به همین نام معرفی کرد (عزتی، ۱۳۹۲: ۱۲). طبق نظریه ریمل‌اند، کنترل تنگه هرمز به مفهوم کنترل چهار بخش یادشده خواهد بود. «آلبوکرک دریادار مهاجم پرتغالی به اقیانوس هند و خلیج فارس، معتقد بود که هر دولتی بر سه تنگه باب‌المندب، هرمز و مالاکا تسلط داشته باشد بر جهان مسلط خواهد بود. این نظریه تا امروز همچنان معتبر است. در میان سه تنگه مذکور، تنگه هرمز در مرکز قرار گرفته و تسلط بر این تنگه به مفهوم تسلط بر دو تنگه دیگر خواهد بود. به همین دلیل در گذشته کشورهایی که می‌خواستند بر اقیانوس هند مسلط شوند سعی می‌کردند قبل از هر اقدامی تنگه هرمز را در اختیار گیرند (درایسدل، ۱۳۸۶: ۳۶).

تئوری ریمل‌اند^۳ نیکلاس اسپایک من نظریه سرزمین حاشیه‌ای «ریمل‌اند» را در کتاب «جغرافیای صلح» خود مطرح، و بر نظریه «هارتلند» مکیندر انتقاد نمود. مکیندر معتقد است اطراف هارتلند دو ناحیه است: «یکی هلالی داخلی یا حاشیه‌ای که شامل سرزمین‌هایی است که پشت به خشکی اوراسیا و در کنار آب قرار دارند» موقعیت ساحلی، دیگری حلال خارجی یا جزیره‌ای شامل بریتانیا، ژاپن، استرالیاست». اما در بیان اسپایکمن این محدوده، سرزمین حاشیه یا ریمل‌اند خوانده می‌شود که در محاصره آب‌هاست (تقوی اصل، ۱۳۸۴: ۴۸-۲۹). اسپایکمن در گسترش ژئوپلیتیکی آمریکا نقش برجسته داشته است وی عقیده داشت مطالعه موقعیت جغرافیایی یک کشور باسیاست خارجی آن تطابق دارد (عزتی، ۱۳۹۲: ۵۹). اسپایکمن ناحیه حاشیه‌ای یا ریمل‌اند را مهم‌تر از هارتلند می‌دانست، ریمل‌اند منطقه‌ای بین هارتلند و دریای حاشیه‌ای آن‌را در

1. The Hartland Theory
2. Sir hal ford makindr
3. Theory of Rim land
4. Nicolals spykman

برمی‌گیرد. وی فرضیه خود را چنین عنوان کرد: هر کس ناحیه حاشیه‌ای را کنترل کند. حاکم اوراسیا و چین کسی سرنوشت دنیا را رقم می‌زند (عزتی، ۱۳۹۲).

۲. تحلیل یافته‌ها

تنگه هرمز در ژئوپلیتیک واحد مطالعه منطقه است. در این دیدگاه مطالعه پدیده‌های سیاسی در چارچوب "حوزه جغرافیایی" آن بررسی می‌شود "منطقه‌ای که از زمان‌های گذشته از نظرگاه کشورهای مختلف والاترین دید ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک را داشته و هم چنان دارد، منطقه خلیج فارس است" (ذوالفقاری ۱۳۹۰: ۱۲: ۲۱). "آن بخش جهان که "خاورمیانه" خوانده می‌شود و در حقیقت مجموعه‌ای است از چند منطقه ژئوپلیتیک جداگانه و متمایز همانند خلیج فارس است شامل، شمال آفریقا که هریک به دلیل هماهنگی موجود در پدیده‌های محیطی خود، یک منطقه مشخص و مستقل از دیگر مناطق است" (مجتهد زاده، ۱۳۷۹: ۳۴۴). در قرون اخیر، خلیج فارس شاهد حضور و تسلط دولت استعماری انگلیس در آنجا و نیز تداوم سیاست‌های دیرینه و استعماری روس‌های تزاری برای دستیابی به آب‌های گرم خلیج فارس بوده که همگی حاکی از اهمیت ویژه و راهبردی خلیج فارس است. یکی از دلایل راهبردی و ژئوپلیتیکی خلیج فارس وجود تنگه هرمز است (اسدیان، ۱۳۸۱: ۲۷).

۱۲۳

پژوهش‌های بین‌المللی
روابط بین‌الملل

راهبرد و الگوی
امنیتی ج. ا. ایران و
جایگاه ژئوپلیتیکی
خلیج فارس (تنگه
هرمز)



(Source: U.S. Department of State)

تنگه هرمز همان گذرگاه آبی است که امکان دسترسی به خلیج فارس را از طریق عمان فراهم می‌آورد. این تنگه یک فرورفتگی از دوره سوم زمین‌شناسی است که ادامه رشته‌کوه‌های جنوبی ایران به شبه‌جزیره مسندم را قطع می‌کند. از آنجاکه هم کشورهای

توسعه یافته و هم کشورهای در حال توسعه به صدور نفت از خلیج فارس وابسته‌اند و بیش از نیمی از نفت مورد نیاز جهان باید از این تنگه بگذرد، امنیت تنگه هرمز اهمیت بین‌المللی دارد پیش‌بینی می‌شود که با افزایش ظرفیت گسترده صدور نفت و گاز این تنگه، منطقه خلیج فارس همچنان بی‌رقیب بماند (منشی، مجتهد زاده، ۱۳۷۱). وزارت انرژی ایالات متحده تنگه هرمز را در زمره یکی از شش شریان حیاتی در توزیع و تجارت جهانی دسته‌بندی می‌کند (ای آی ای، ۲۰۱۹).

۲-۱. جنبه‌های ژئوپلیتیکی و راهبردی تنگه هرمز:

اهمیت ژئواستراتژیکی! آب‌های تنگه هرمز به سه بخش تقسیم می‌شود که شامل آب‌های سرزمینی ایران، آب‌های سرزمینی عمان و آب‌های آزاد است. این تنگه تابع مقررات عهدنامه کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاهاست و در شرایط صلح، کلیه کشتی‌های نظامی و بازرگانی از حق عبور ترانزیت برخوردارند. ایران و عمان به‌عنوان دو کشور دو طرف تنگه، می‌توانند از مناطق ساحلی خود هرگونه بهره‌برداری انجام دهند و کنترل نظامی این محدوده نیز بر عهده دو کشور دو سوی تنگه است اما در شرایط صلح، حق تعلیق یا اختلال در عبور و مرور بی‌ضرر کشتی‌های دیگر کشورها را ندارند. چراکه تنگه هرمز به دلیل موقعیت استراتژیکش طبق کنوانسیون حقوق دریاهای یک تنگه بین‌المللی است. گرچه به‌واسطه همان کنوانسیون، دولت ایران نمی‌تواند در شرایط صلح برای بخش‌های غیر سرزمین خود در تنگه هرمز محدودیت تردد ایجاد کند یا تنگه را مسدود کند اما با توجه به اینکه کشور آن سوی تنگه، یعنی عمان، کشوری کوچک با توان نظامی پایین است و بعلاوه خط ساحلی کمتری در تنگه هرمز دارد، عملاً قدرت تعیین‌کنندگی ندارد و بیشترین کنترل تنگه در دست ایران است و ایران با داشتن خط ساحلی وسیع‌تر در تنگه و وجود جزایر متعدد، برای کنترل تردهای این آبراه تسلط بالایی دارد (مجتهد زاده، ۱۳۷۹: ۳۴۴).

۲-۲. اهمیت استراتژیک تنگه هرمز برای غرب

خلیج فارس، با ۵۶۵ میلیارد بشکه نفت خود که معادل ۶۳ درصد کل ذخایر نفتی شناخته شده جهان است، ۳۰/۷ تریلیون مترمکعب گاز طبیعی که برابر ۲۸/۵ درصد کل ذخایر شناخته شده گاز دنیاست، بی تردید بزرگ‌ترین و مهم‌ترین انبار انرژی جهان محسوب می‌شود. این موفقیت برای دهه‌های طولانی در قرن آینده دوام خواهد داشت... عامل عمده‌ای که نفت و گاز خلیج فارس را برای ایالات متحده، اروپای غربی و ژاپن بسیار حیاتی می‌سازد، دشواری بسیار در جایگزین ساختن نفت و گاز وارداتی منطقه توسط منابع دیگر انرژی مانند زمین، خورشید، دریا و هیدروژن است (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۳۸).

۱۲۵



راهبرد و الگوی
امنیتی ج.ا. ایران و
جایگاه ژئوپلیتیکی
خلیج فارس (تنگه
هرمز)

منطقه‌ای که زمان‌های گذشته از نظر کشورهای مختلف والاترین دید ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک را داشته و همچنان دارد، منطقه خلیج فارس است (مظاهری، سایت آفتاب). سیاست آمریکا در خلیج فارس بیانگر نوعی نگرش توسعه طلبانه است که از طرف سردمداران کاخ سفید اعمال می‌شود. دولت آمریکا از دوران نیکسون که سرآغاز حضور آمریکا در منطقه بوده است، تاکنون استراتژی‌های دو ستونی، موازنه قوا و مهار دوجانبه را برای حفظ منافع خود سرلوحه کار قرار داده و در حال حاضر استراتژی حضور مستقیم را جایگزین استراتژی‌های پیشین کرده است (سعید، ۲۰۱۴: ۲۵). ایالات متحده برای نیل به اهداف خود در خلیج فارس با پایان یافتن جنگ سرد و خروج شوروی از گردونه رقابت و حاکم شدن نظام تک قطبی در جهان اقدام به پیاده کردن یک سری استراتژی جدید از جمله موازنه قدرت در خاورمیانه کرد که در سایه شعار نظم نوین جهانی نمود یافت (امین، ۲۰۱۳: ۳۵). دولتمردان کاخ سفید با گذشت زمان به این نتیجه رسیدند که برای بهینه‌سازی بهره‌مندی از نفت و تأمین سایر مطامعشان به ایجاد خلیج فارس آرام و به‌دوراز جنجال و البته تحت سلطه مستقیم و بی‌واسطه، بهترین استراتژی کاربردی می‌باشد. به همین دلیل پیوسته طالب جاری شدن صلح میان اعراب و اسرائیل و جلوگیری از قدرت یافتن کشورهای منطقه از جمله ایران بوده‌اند. آمریکا با بیان دلایلی چون وجود حکومتی دیکتاتور در عراق و مجهز بودن این کشور به سلاح‌های کشتار جمعی و تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای نوک پیکان حملات خود را

به‌سوی عراق تیزتر نمود و در رأس همه بهانه‌ها دست داشتن عراق در ماجرای یازده سپتامبر و رابطه رژیم عراق با گروه القاعده مطرح شد که همسو با بعضی متحدان غربی، جنگی علیه آن کشور آغاز و حکومت آنرا سرنگون کرد تا گامی محکم‌تر در راه سلطه بی‌چون‌وچرای خود در خلیج‌فارس بردارد (فریدمن، ۲۰۱۱: ۵۷). تنگه هرمز دارای اهمیت ژئواستراتژیکی ویژه‌ای است که آنرا در هر دو استراتژی بری و بحری وارد می‌کند؛ زیرا تنگه هرمز مکمل هر دو استراتژی یادشده است.

۲-۲-۱. راهبرد اقتصادی

موقعیت ویژه خلیج‌فارس از نظر دارا بودن ذخایر غنی نفت و گاز و هم‌چنین موقعیت استراتژیکی و اهمیت آن به‌عنوان یک بازار مطلوب اقتصادی، تغییر و تحولات سیاسی سال‌های اخیر منطقه که متکی بر ایدئولوژی اسلامی است و بسط و حرکت آن در کشورهای منطقه توجه جهان را به‌شدت به این منطقه معطوف داشته است. "آمار و ارقام نفتی بیانگر این واقعیت است که بخش قابل‌توجهی از ذخایر ثابت شده نفت و گاز طبیعی دنیا در کشورهای منطقه خلیج‌فارس قرار دارد. به‌عبارت‌دیگر حدود دوسوم ذخایر ثابت شده نفت دنیا و یک‌چهارم از ذخایر گاز طبیعی جهان در این منطقه نهفته است. نفت پایه کلیه روابط اقتصادی در منطقه و نیز پایه کلیه روابط اقتصادی کشورهای منطقه با جهان است" (پورطالب، ۱۳۸۹: ۳۳). بنابراین پیوند اقتصادی منطقه‌ای با اقتصاد جهانی در قالب انتقال کالا و مواد و نفت همچنان به عهده تنگه هرمز باقی خواهد ماند؛ مگر اینکه عوامل امنیتی و نظامی و بحران‌های منطقه‌ای خللی در اهمیت نقش اقتصادی حمل‌ونقل دریایی ایجاد کند. (حافظ‌نیا، ۱۳۹۳: ۵۶).

-اهمیت مواصلاتی: خلیج‌فارس بخشی از سیستم ارتباطی دنیایی محسوب می‌شود، که هم‌کاربری اقتصادی تجاری دارد و هم حمل‌نفت و سوخت به آن وابسته است و هم‌کاربری نظامی داشته و جزئی از استراتژی دریایی به‌شمار می‌آید؛ یعنی خلیج‌فارس شاخک عملیاتی استراتژی دریایی در شمال اقیانوس هند از یک‌سو و بخش مرکزی

1. Friedman
2. Communication position

منطقه جنوب غرب آسیا از سوی دیگر است که امکان آزادی عمل نظامی از سوی قدرت دریایی را در کشورهای پاکستان، ایران، عراق، عربستان، عمان، قطر و جز آن‌ها فراهم می‌نماید (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۱۱). بلومبرگ از مقایسه صادرات نفت ایران، عربستان، عراق، قطر، کویت و امارات از تنگه هرمز از ژوئیه ۲۰۱۸ الی ژوئن ۲۰۱۹ بیشترین صادرات نفت را عربستان سعودی از تنگه هرمز را دارد. روزانه در حدود ۱۵ میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز عبور می‌کند (بلومبرگ، ۲۰۱۹).

براین اساس تنگه هرمز اهمیت ارتباطی خود را از گذشته تاریخی تا به امروز حفظ کرده است. و امروزه هم با توجه به رجحان حمل و نقل دریایی بر سایر سیستم‌های حمل و نقل، همچنان اهمیت ارتباطی خود را حفظ خواهد کرد. تنگه هرمز به‌عنوان بخش مهم یک سیستم ارتباطی بین سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا، و همچنین دو اقیانوس بزرگ، هند و اطلس، و نیز شبکه ارتباط دریایی خلیج فارس و دریای عمان به خلیج عدن، دریای سرخ و دریای مدیترانه، عمل نموده و می‌نماید. در واقع تنگه هرمز کانال انتقال و پخش کالا و مواد و ارزش‌ها و عناصر فرهنگی و اجتماعی بین محیط‌های جغرافیایی و جوامع شرق و غرب و جنوب و شمال آن بوده است.

۲-۲-۲. راهبردی - سیاسی تنگه هرمز

برای حل مسائل امنیتی، سیاسی، استراتژیکی و اقتصادی در سایر نقاط جهان جمهوری اسلامی ایران از فرصت‌هایی که خلیج فارس در اختیارش قرار می‌دهد می‌تواند بهره‌برداری نماید. و اثرگذاری اقتدار خود را بر فرآیندهای منطقه‌ای و بین‌المللی به نمایش گذاشته و آن را به‌عنوان محور شکل‌دهی به نظام جهانی و رفتار اعضاء جامعه بین‌الملل مطرح نماید (هوک، ۲۰۱۴: ۲۱).^۲ کشور ایران با داشتن شرایطی نظیر بزرگ‌ترین قدرت نظامی منطقه، بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی در کنار عربستان، نفوذ مذهبی در اکثر کشورهای منطقه، داشتن سواحل طولانی در منطقه، تسلط بر نقاط استراتژیک منطقه از جمله تنگه هرمز و بهره‌گیری از جزایری که هرکدام یک سپر خوب دفاعی تلقی

1. Bloomberg Tanker Tracking
2. Hoch

می‌شوند، سیاست خارجی ضد اسرائیل که همگی در تعارض با منافع آمریکا قرار گرفته‌اند، دارای تعارض و تقابل ایدئولوژیکی با آمریکاست (والنسیا، 2013/01/27). از سوی دیگر ایران از دید آمریکا می‌تواند مدخل ورود بسیاری از رقبای در منطقه باشد. بخصوص ایران با بیشتر رقبای در حال پیدایش آمریکا روابط نسبتاً دوستانه داشته و هریک از این کشورها از طریق ایران حضور سمبلیک در منطقه پیدا کرده‌اند.

۲-۲-۳. راهبرد انرژی تنگه هرمز.

بیشتر نفت و گاز صادراتی کشورهای ایران، عربستان، امارات، کویت، عراق بحرین، قطر از طریق این تنگه به بازارهای جهانی ارسال می‌شود که طبق آمارهای سال ۲۰۱۷، میزان این صادرات به حدود روزانه ۱۷,۵ میلیون بشکه می‌رسد که حدود ۴۰ درصد، نفت صادرشده توسط کشتی‌های نفت‌کش و ۳۰ درصد تمام صادرات نفت جهان را در برمی‌گیرد (کریستین، جولای ۲۰۱۸).^۲ به همین دلیل این گذرگاه یکی از راهبردی‌ترین مسیرهای بین‌المللی کشتیرانی جهان محسوب می‌شود. براساس آمارهای رسمی، تنگه هرمز مسیر عبور روزانه ۱۸,۵ میلیون بشکه نفت خام در پایان سال ۲۰۱۷ میلادی بوده است. براساس آنچه گفته شد، هشت مسیر دریایی ۶۱ درصد (۵۹ میلیون بشکه در روز) از خرید جهانی نفت را جابه‌جا می‌کنند که در این بین، سهم تنگه هرمز از این ۵۹ میلیون بشکه، ۳۱ درصد و سهم هفت مسیر دیگر ۶۹ درصد است (FSU, Suez Canal, July 25, 2018).

خطوط جایگزین: نفت صادراتی پنج کشور منطقه شامل عربستان سعودی، عراق، امارات متحده عربی، کویت و قطر از تنگه هرمز عبور می‌کند که چهار کشور عربستان با ۱۶ درصد، عراق با ۷,۵ درصد، امارات با ۶ درصد و کویت با ۴,۵ درصد، در مجموع ۳۴ درصد از نفت موردنیاز جهان را تأمین می‌کنند. براساس آمارها، حدود ۹۷ درصد از نفت صادراتی منطقه از طریق تنگه هرمز و تنها سه درصد از آن از سایر مسیرهای از جمله

1. Valencia
2. Kirsten Donovan (2019)

خط لوله‌های ساخته شده توسط برخی کشورهای عربی جابه‌جا می‌شود. در این بین حدود ۸۸ درصد نفت عربستان سعودی، ۹۸ درصد نفت عراق، ۹۹ درصد نفت امارات متحده عربی و صد درصد نفت کشورهای کویت و قطر از تنگه هرمز عبور می‌کند که این مسیر را به شاهراه جهان تبدیل می‌کند. یکی از گزینه‌هایی که برای تأمین نفت مورد نیاز جهان بعد از بستن تنگه هرمز مطرح شده، موضوع خط لوله‌هایی است که در سال‌های اخیر با در نظر گرفتن چنین شرایط از سوی برخی کشورهای عربی ایجاد شده است. اما مطالعات نشان می‌دهد این خط لوله‌ها هم به لحاظ نگهداری و احداث هزینه هنگفتی دارند و هم به جهت ظرفیت انتقال نفت چندان تأثیری برای جبران کمبود نفت نخواهند داشت، برای مثال خط لوله ۳۲۰ کیلومتری سومد که نفت خام را از طریق دریای سرخ به دریای مدیترانه می‌رساند، حاصل یک سرمایه‌گذاری مشترک بین شرکت نفت و گاز عمومی مصر (۵۰ درصد)، آرامکو (۱۵ درصد)، شرکت سرمایه‌گذاری بین‌المللی نفت ابوظبی (۱۵ درصد)، شرکت‌های چندگانه کویت (۱۵ درصد) و قطر پترولیوم (۵ درصد) است که روزانه تنها ۲/۴ میلیون بشکه نفت می‌تواند انتقال دهد (کریستین، جولای ۲۰۱۸). بر اساس منابع آماری، عربستان برای رهایی از مخاطرات احتمالی بستن تنگه هرمز طی سال‌های اخیر خط لوله‌ای به دریای سرخ کشیده است که روزانه قادر است ۴٫۸ میلیون بشکه نفت خام جابه‌جا کند. همچنین امارات نیز خط لوله‌ای را تا بندر فجیره در کرانه دریای عمان کشیده است که تنها قادر به حمل روزانه ۱٫۵ میلیون بشکه نفت است. بر این است از مجموع ۱۸٫۵ میلیون بشکه نفت خام صادراتی منطقه، در حال حاضر تنها برای ۶/۶ میلیون بشکه خط لوله وجود دارد که این میزان ۳۵ درصد از کل جابه‌جایی نفت از تنگه هرمز را شامل می‌شود (جالینوسی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸۵).

۲-۲-۴. راهبرد حقوقی در امنیت تنگه هرمز

در رژیم حقوقی تنگه‌ها طبق قواعد ناشی از ماده (۴) ۱۶ کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو تعیین وضعیت عبور از تنگه‌ها اصولاً منوط به این است که آب‌های تنگه جزئی از دریای آزاد بوده و یا بخشی از دریای سرزمینی محسوب شوند. اگر در آب‌های آزاد باشند، تحت کنترل و نظارت دولت ساحلی قرار نمی‌گیرند. ولی اگر آب‌های تنگه در داخل دریای

سرزمینی یک و یا چند دولت باشد کشتی‌های خارجی فقط حق عبور بی‌ضرر را خواهند داشت. دولت ساحلی می‌تواند به‌منظور حفاظت از امنیت خود در موارد خاص موقتاً و استثنائاً حق عبور بی‌ضرر را محدود و یا تعلیق نماید.

قدرت‌های دریایی در مذاکرات کنوانسیون سوم ملل متحد در جامائیکا در سال ۱۹۸۲ یک‌قدم فراتر گذاشتند و ادعا کردند حق عبور بی‌ضرر طبق حقوق عرفی گسترده‌تر از این است و مستلزم آزادی دریانوردی بدون محدودیت‌های "بی‌ضرری" است، و از آن تحت عنوان "حق ترانزیت" یاد کردند. برخلاف حق عبور بی‌ضرر فقط کشتی‌ها را شامل نمی‌شود و بلکه پرواز بر فراز منطقه دریایی را نیز در برمی‌گیرد. البته هر دو رژیم حقوقی "عبور بی‌ضرر" و "عبور ترانزیت" در کنوانسیون ۱۹۸۲ در جامائیکا در کنوانسیون گنجانیده شده و حدود و شرایط آن‌ها تا چائی که مقدور بوده است ذکر شده‌اند.

رژیم حقوقی مبتنی بر "عبور ترانزیت" براساس ماده ۳۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها شامل "تنگه‌هایی که مورد استفاده کشتیرانی بین‌المللی، بین بخشی از دریای، آزاد یا منطقه انحصاری اقتصادی و بخش دیگری از دریای آزاد قرار می‌گیرد" است.

ایران به موجب تصویب‌نامه شماره ۶۷۰-۲۵۰ مورخ ۱۳۵۲/۴/۳۱ (۱۹۷۳ میلادی) هیئت‌وزیران یعنی سال‌ها قبل از تصویب کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها ملل متحد خطوط مبنا و عرض آب‌های سرزمینی خود بر مبنای ۱۲ مایل را مشخص و در مجموعه معاهدات دبیرخانه سازمان ملل متحد به ثبت رسانیده بود و سال‌ها نیز بر اساس آن عمل نموده است و حداقل تا ربع قرن مورد اعتراض و ادعای جدی قرار نگرفته بود.

مضافاً اینکه مسیر ورودی کشتی‌ها در ادامه از کنار آب‌های جزایر ایرانی تنب بزرگ و کوچک و نیز جزیره ایرانی فارور می‌گذرند و در شرایط اضطراری و ویژه، قابلیت کنترل و هدایت از جانب ایران را دارند. کمترین عرض تنگه هرمز که جداکننده ایران و عمان از یکدیگر است ۲۱ مایل بوده و کافی برای اعمال ۱۲ مایل برای هر دو طرف نیست و لذا خط منصف بین دو ساحل حد آب‌های سرزمینی دو طرف است. تنگه هرمز در مرز دریایی مشترک ایران و عمان قرار دارد. عمان یکی از ۱۵۵ کشوری است که به کنوانسیون

ملل متحد درباره حقوق دریاها که در سال ۱۹۸۲ در جامائیکا تصویب گردید ملحق شده است (سند دبیرخانه ملل متحد: www.un.org/Depts/los/index.htm). معاون حقوقی و پارلمانی وزارت امور خارجه و رئیس هیئت ایرانی شرکت کننده در اجلاس نهائی سومین کنفرانس حقوق دریاها در مونتگوبی (جامائیکا) در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۸۲ یک روز قبل از تصویب نهائی سند، علاوه بر مطالب گوناگون، در نطق خود از جمله گفته بود:

"۱. با نگرش به ماده ۳۴ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ درباره حقوق معاهدات، طبیعی است که تنها کشورهای عضو کنوانسیون حقوق دریاها می توانند از حقوق قراردادی ناشی از آن بهره مند شوند."

وی سپس در نطق خود از جمله تصریح کرده بود: - حق عبور ترانزیتی از تنگه های مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی (فصل سوم - قسمت دوم ماده ۳۸)؛ - موضوع "منطقه انحصاری اقتصادی" (فصل پنجم)؛ - تمام مسائل مربوط به بستر دریاها و میراث مشترک بشریت (فصل یازدهم).

۲- به استناد حقوق بین الملل عرفی، مقررات ماده ۲۱ با در نظر گرفتن ماده ۱۹ (در مورد معنای عبور بی ضرر) و ماده ۲۵ (در مورد حق صیانت کشورهای ساحلی) حقوق کشورهای ساحلی را در ارتباط با امنیت سرزمینی آنها و وضع قوانین و مقررات از جمله الزامات راجع به کسب اجازه قبلی برای کشتی های نظامی که قصد عبور بی ضرر در آب های سرزمینی را دارند، (برای خود) محفوظ می دارد."

جمهوری اسلامی ایران کلیت این کنوانسیون را با امضای آن در سال ۱۹۸۲ پس از تصویب در جامائیکا مورد حمایت قرار داده است، ولی هنوز به تصویب مجلس نرسانده و ترتیبات و شریفات الحاق کامل به کنوانسیون را طی نکرده است. ایران هنوز موافقت نامه مربوط به قسمت یازدهم کنوانسیون در خصوص بستر دریاها که از سال ۱۹۹۶ لازم الاجرا شده است را نپذیرفته است ولی در سال ۱۹۹۸ به موافقت نامه دیگر اجرائی منضم به آن در مورد ذخایر ماهیان دریایی که از سال ۱۹۹۶ قوت اجرائی یافته ملحق شده است (منتظران، ۱۳۹۸). به طور مشخص واقعه ۶ ژانویه ۲۰۰۸ که در آن ۵ قایق تندرو سپاه پاسداران و سه ناو آمریکائی در تنگه هرمز روبرو شدند ناشی از تفاوت برداشت های حقوقی ایران و امریکا یا مستمسک قرار دادن موادی از حقوق دریاها و یا حقوق بین الملل

عرفی بود. آمریکائی‌ها مدعی بودند که ناوهای آن‌ها در حال "عبور ترانزیتی" بر طبق موازین حقوق بین‌الملل هستند و حال آنکه از دید نیروی دریایی ایران، این ناوها بدون کسب مجوز عبور قبلی وارد قلمرو تنگه دریایی ایران شده و به آب‌های سرزمینی ایران تجاوز کرده بودند (دبیری، ۱۳۹۰).

توقیف نفتکش بریتانیایی: سپاه پاسداران روز ۲۸ تیر ۹۸ اعلام کرد که نفتکش بریتانیایی "استینا ایمپرو" را "به علت رعایت نکردن قوانین و مقررات بین‌المللی دریایی" در تنگه هرمز توقیف کرده است (منتظران، ۱۳۹۸؛ سودایی، ۱۳۹۸). موضع جمهوری اسلام ایران به هنگام امضا اولیه در پایان کنفرانس مذاکرات حقوق دریاها این بوده است که فقط کشتی‌های متعلق به ملحق شوندگان به کنوانسیون ۱۹۸۲ حق برخورداری از حق عبور ترانزیتی مندرج در ماده ۳۸ کنوانسیون را دارا می‌باشند. در مورد کشتی سایر کشورها حق عبور بی‌ضرر اعمال خواهد شد. کشتی‌های جنگی سایر کشورها به هنگام عبور بی‌ضرر از آب‌های سرزمینی ایران قبلاً باید اجازه عبور کسب نمایند. این ترتیبات اعلام شده از طرف بعضی قدرت‌های دریایی به‌ویژه آمریکا به چالش کشیده شده است. آمریکا مدعی حق عبور ترانزیت بر مبنای حقوق عرفی مورد ادعای خود است.

مسئولیت راهبردی جمهوری اسلامی ایران در حفظ امنیت:

۱- اهمیت یک قدرت توازن جهان؛ ۲- ضرورت استفاده از نیروی ایران برای برقراری و تثبیت چنین توازنی. برای حفظ امنیت از سوی ایران از نظریه قدرت دریایی استفاده می‌شود:

نظریه قدرت دریایی: نظریه آدمیرال آلفرد تایر ماهان آمریکایی "نیروی دریایی را به‌عنوان کلید قدرت جهانی" مورد تأکید قرار داده است. به نظر آلفرد ماهان "دریاهای جهان بیش از آن‌که سرزمین‌های جهان را از هم جدا کنند آن‌ها را به پیوند می‌دهند بنابراین تشکیل امپراتوری‌های ماورای بحار و دفاع از آن‌ها به قدرت تسلط بر دریا بستگی دارد. (نورائی، شفائی، ۱۱۷: ۱۳۸۵). براساس تجزیه و تحلیل قدرت دریایی ایران به شش عامل قدرت دریایی نظریه ماهان عبارت‌اند از:

1. sea power theory
2. Admiral Alfred Thayer Mahan)

۱- موقعیت جغرافیایی ایران: اگر کشوری از موقعیت دریایی مناسبی برخوردار باشد و این امر با کنترل استراتژیک آبراه‌های مهم و پایگاه‌هایی که دشمن ممکن است از آن‌ها برای محاصره و تهدید استفاده کند همراه باشد، مناسب‌تر است؛ ۲- ویژگی‌های طبیعی ایران: هدف از ویژگی‌های طبیعی، وضعیت ساحل و مشخصات فیزیکی آن است. اگر کشوری دارای طول ساحلی زیادی باشد ولی به علت نامساعد بودن ساحل نتواند به ایجاد بندرها، لنگرگاه‌ها و تأسیسات دفاع ساحلی اقدام کند چگونه می‌تواند دارای ارتباطات دریایی مناسبی باشد؟ بندرها و لنگرگاه‌های زیاد در عمق کشور، باعث قدرت دریایی و کسب ثروت است. اگر تأسیسات بندری از قابلیت دفاعی خوبی برخوردار نباشد آسیب‌پذیری آن‌ها اجتناب‌ناپذیر است؛ ۳- طول ساحل و وسعت قلمرو ایران: منظور ماهان از وسعت قلمرو، طول خطوط ساحلی یک کشور و قابلیت دفاع سواحل است و اینکه اساساً به‌منظور یک پدافند عامل، اقداماتی انجام گرفته است یا خیر؟ در این میان معابر نفوذی و تکیه‌گاه‌های آبی از مهم‌ترین عواملی هستند که باید توجه شوند؛ ۴- جمعیت ایران: میزان جمعیت یک کشور یک عامل مهم و فراوان است، زیرا توانایی ایجاد یک نیروی دریایی و تأمین افراد موردنیاز بر آن، به میزان جمعیت آن کشور بستگی دارد. تنها برخی از کشورها قادرند پایگاه‌های ماوراء بحار را که نیروی نسبتاً بزرگی از نظامیان و مدیران را تقاضا می‌کند، نگهداری و حمایت کنند و به‌عنوان یک قدرت دریایی مطرح باشند؛ ۵- خصوصیات ملی ایران: اگر مردم یک کشور علی‌رغم داشتن یک موقعیت دریایی علاقه‌مند به دریانوردی و بازرگانی با ملل دیگر نباشند، قدرت بزرگ دریایی ایجاد نمی‌شود. به نظر ماهان تجارت گسترده و مسالمت‌آمیز، اولین ضرورت برای گسترش قدرت دریایی است؛ ۶- خط‌مشی حکومت و رهبران سیاسی: خط‌مشی سیاسی دولت در بهره‌برداری از منابع انسانی و طبیعی، تنها به‌وسیله یک حکومت آینده‌نگر و دارای خط و مشاء اجرایی متهورانه می‌تواند از قوه به فعل درآید؛ ۷- ابزارهای ایران برای امنیت تنگه هرمز و منطقه. با توجه به ظرفیت‌های موجود برای جمهوری اسلامی ایران، به نظر می‌رسد ابزار مدنظر برای امنیت تنگه هرمز، نظامی باشد. از این رو، باید دید که از حیث نظامی، چه توانمندی‌هایی برای ایران، جهت امنیت منطقه و تنگه هرمز وجود دارد:

مین دریایی: ایران ۵ هزارمین دریایی دارد. این مین‌ها، مسلماً به‌مرورزمان، پیشرفته‌تر شده‌اند و شناسایی آن‌ها برای کشتی‌های عبوری سخت خواهد بود (گلوبال پاور، ۲۰۱۸)؛

-ناو و ناوچه: ناوچه ناوشکن‌های دماوند و جماران، از جمله توانمندی‌های دریایی کلاسیک نیروهای نظامی ایران است که بومی‌سازی شده‌اند؛ قایق تندرو: قایق‌های تندروی است که گاه به کاتیوشا هم مجهزند. با توجه به سرعت بالای این قایق‌ها و اندازه نسبتاً کوچک آن‌ها، آسیب‌پذیری آن‌ها پایین و قدرت ضربه زدن آن، بسیار بالاست (گلوبال پاور، ۲۰۱۸)؛ زیردریایی: این جنگ‌افزار هم جزو ادوات کلاسیک جنگ دریایی محسوب می‌شود. بیزنس اینسایدر تخمین می‌زند که ایران، ایران در مجموع، حداقل ۳۳ زیردریایی کوچک و بزرگ در اختیار دارد؛ موشک: بزرگ‌ترین چالش برای نیروهای ضد ایرانی جهت باز نگه‌داشتن تنگه، "موشک" خواهد بود. توانمندی موشکی ایران بر هیچ‌کس پوشیده نیست و چنان باعث نگرانی محور ریاض- امریکا شده است (گلوبال پاور، ۲۰۱۸)!

جدول شماره ۱. توانمندی راهبرد نظامی ایران در تنگه هرمز

نام موشک	برد (کیلومتر)	وزن	سرعت (کیلومتر بر ساعت)
کرار (پهپاد انفجاری)	۱۰۰۰	۱ تن (با حمل موشک)	۹۰۰
کوثر	۲۵	۲۵	۰,۰۸ سرعت صوت
ظفر	۲۵	۱۲۰	۰,۰۸
نصیر	۳۵	۱۲۰	۰,۰۸
مقتدر	۶۰۰	-----	-----
یا علی	۷۰۰	-----	-----
خلیج فارس	۳۰۰	۶۵۰ (کلاهک جنگی)	مافوق صوت
فاتح ۱۱۰	۳۰۰	-----	مافوق صوت

(Stratford Worldview, 2018)

درواقع، ایران اگر تنها بخواهد از موشک‌های سطح به دریای خود استفاده کند، ۱۸۰۰ کیلومتر فضا برای این منظور در اختیار خواهد داشت. در مقابل، امریکا اگر

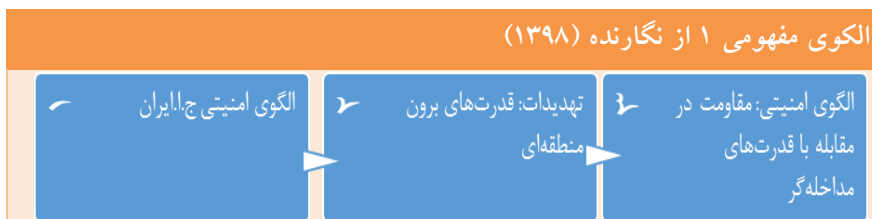
بخواهد کاملاً عبور و مرور نفت‌کش‌ها در خلیج فارس را تأمین کند، بایستی ۱۸۰۰ کیلومتر را، شبانه‌روز زیر نظر داشته باشد. امری که نزدیک به غیرممکن‌هاست. طی جنگ خلیج فارس هم، بیشترین حمله‌ها، با موشک انجام شده است. از ۳۴۰ مورد، ۱۸۷ حمله با موشک انجام شده است (شمس‌آبادی، ۱۳۹۷). اطلاق تئوری قدرت دریایی به ایران در این مقاله بر اساس نظریه ماهان پایه گذاشته شده است، که موقعیت جغرافیایی ایران ویژه است. ایران با داشتن شرایط یادشده می‌بایست در امنیت خود و منطقه نیروی فعال حتی بلامنزاعه باشد براساس موارد فوق دو الگوی امنیتی مورد نظر ح.آ.ایران شکل می‌گیرد:

۱۳۵

۵-۲-۲. الگوی امنیتی انقلابی ج.آ.ایران در تنگه هرمز

با پیروزی انقلاب اسلامی، دیپلماسی نظامی رژیم پهلوی جای خود را به سیاست انقلابی ایران داد. انقلاب اسلامی تمام سازه‌های موجود را به هم ریخت و هرگونه مداخله در امور کشور را به شدت نفی و رد کرد و همین سیاست را در قبال مسائل خلیج فارس و تنگه هرمز دنبال می‌نمود که بر مبنای اصل سیاست حفظ وضع موجود قوام یافت. یعنی هدف مقابله با هرگونه قدرت مداخله‌گر در این حوزه بود و لذا حالت تهاجمی بیشتری در سیاست خارجی این دوران شکل گرفت. هم چنین برای دولت ایران مسائل اقتصادی خلیج فارس و نقش ترانزیتی تنگه هرمز در اولویت قرار گرفت. دولت ایران به اهمیت تنگه هرمز در منطقه واقف بود، ولی از میزان کنترلی که در رژیم گذشته بر این تنگه اعمال می‌شد کاسته شد، چرا که استراتژی تقابل گسترده رژیم پهلوی و مداخله در نقاط مختلف توسط این رژیم مورد قبول جمهوری اسلامی نبود. نتیجه این سیاست لغو و اعزام نیروهای نظامی به کشورها و تعطیلی تمام پایگاه‌های خارجی توسط دولت موقت مهندس بازرگان بود. با وقوع انقلاب اسلامی سیاست‌های ایران در تنگه هرمز به شکل چشمگیری تغییر یافت. اگر در دوره‌های قبل از انقلاب اسلامی حکومت مرکزی گاهی با قدرت‌های مداخله‌گر جهت ایجاد امنیت در این حوزه همکاری می‌نمود بعد از انقلاب اسلامی این همکاری از بین رفت و حکومت اسلامی ایران هرگونه مشارکت یا همکاری با قدرت‌های بیگانه برای ایجاد امنیت در حوزه

جغرافیایی خویش را نفی نمود و به در قالب سیاست‌های تهاجمی با هرگونه حضور و مداخله قدرت‌های بیگانه مقابله نمود (میرزاخانی؛ زواری، ۱۳۹۵: ۴۰).



۱۳۶

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه
پژوهش‌های
روابط بین‌الملل،
دوره نهم، شماره
چهارم، شماره
پیاپی سی و چهارم
زمستان ۱۳۹۸

تنگه هرمز تنها خروجی خلیج فارس است و بیشتر انتقال مواد و انرژی منطقه از طریق این تنگه صورت می‌گیرد. ایران کشور ساحلی شمال تنگه است و از یک سو می‌تواند دست بالا را در مسائل مربوط بدان داشته باشد و از سوی دیگر بیش از هر کشور دیگری از بروز ناامنی در آن متضرر خواهد شد. ایران تنها کشور منطقه ای است که بدون کمک و نظارت قدرت‌های بزرگ در واکنش به مانورهای نظامی بیگانگان اقدام به تمرین‌های مشابه برای بازدارندگی در خلیج فارس می‌نماید.

۲-۲-۶. الگوی امنیت مشارکتی^۱

مفهوم امنیت منطقه‌ای یا مشارکتی از ترکیب دو واژه امنیت و منطقه (پاتریک ام، ۱۳۸۰: ۴۰). می‌باشد هر دو واژه‌های پیچیده‌ای هستند که شاید تعریف مشخص و مشترکی برای آن‌ها نباشد به‌طور کلی می‌توان «امنیت منطقه» را این‌جوری تعریف کرد که مجموعه از تمام تصورات و تعبیرات امنیت ملی است که اعضای یک نظام منطقه‌ای در زمان خاص آن‌را به کار می‌برند بنابراین امنیت یا ناامنی را می‌توانند مجموع از سطوح کشمکش در یک منطقه، اعتبارات نظامی و نهادها و اتحادیه‌های جمعی به دست آید (افتخاری، ۱۳۸۱: ۲۶-۴). بوزان امنیت منطقه‌ای را این‌گونه تعریف می‌کند: «یک دسته از کشورهای با شبکه‌ای از روابط امنیتی متمایز و مهم- که تضمین می‌کند اعضاء دارایی سطح بالایی از وابستگی متقابل امنیتی هستند- توصیف می‌کند؛ یک گروه از کشورها که

1. Cooperative security model

نگرانی‌های اولیه و اصلی آن‌ها به اندازه‌ای به هم وابسته است که در واقع تصور امنیت ملی آن‌ها به صورت متمایز از یکدیگر ممکن نیست (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۳۹). باری بوزان معتقد است: ماهیت ارتباطی امنیت، فهم الگوهای امنیت یک دولت را بدون درکی اساسی از وابستگی متقابل الگوهای امنیت منطقه‌ای که در آن وجود دارد ناممکن می‌سازد (بوزان، ۱۳۷۸: ۴۰). در اینجا منطقه به عنوان مجموعه‌ای از دولت‌ها که به لحاظ جغرافیایی در نزدیکی یکدیگر واقع شده‌اند (زیوماز، ۱۳۷۹: ۴۷). بر اساس این تئوری امنیت منطقه‌ای را صرفاً در چارچوب همکاری بازیگران رقیب امکان‌پذیر می‌دانند. بر اساس نگرش این تئوری در حوزه‌های جغرافیایی که نشانه‌هایی از منافع استراتژیک وجود دارد، رقابت بین بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ، امری اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود. در چنین شرایطی لازم است تا هریک از نیروهای یادشده در صدد برآیند تا امنیت منطقه‌ای خلیج فارس را بر اساس "اجماع بازیگران" طراحی کرده و الگوهای رفتار مشارکتی را در ساختار امنیت منطقه‌ای سازمان‌دهی نمایند تنها تحت این شرایط است که الگوهای امنیتی به ثبات منجر می‌شود. بر اساس این تئوری قدرت‌های بزرگ محور اصلی امنیت سازی در منطقه‌ای نمی‌باشند امنیت تحت تأثیر موج‌های متنوع از مشارکت، عمل‌گرایی و همچنین همکاری منطقه‌ای برای ایجاد ثبات و تعادل حاصل خواهد شد (متقی، ۱۳۸۹: ۱-۲۲). نظر نویسنده این است که بهترین الگو برای ترتیبات امنیتی منطقه خلیج فارس الگوی امنیتی مشارکتی است.

الگوی مفهومی ۲ از نگارنده (۱۳۹۸)

همکاری و ثبات منطقه‌ای ۱ - اجماع بازیگران منطقه‌ای ۲ - الگوی امنیتی مشارکتی ۳

سناریوهای متصور بر اساس الگوهای فوق: الف- انتظار بروز تحول در ماهیت و مواضع امریکا در جهت انقلاب اسلامی و یا تجزیه اقتدار ملی آن؛ ب- انتظار سقوط قدرت امریکا در سیستم ژئوپلیتیک جهانی؛ ج- انتظار بروز تحول در نظام جهانی و

1. Consensus of Actors

تحول در الگوی پخش فضایی - جغرافیایی قدرت جهانی؛ د- ارتقای سطح قدرت ملی ایران به منظور کسب توازن قدرت به طور نسبی و حمایت از منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی طبیعی است ر بستن تنگه هرمز. که موارد الف، ب و ج از کنترل ایران خارج بوده و تن دادن به آن تاندازه‌ای در کوتاه‌مدت خوش‌خیالی خواهد بود (رمضانی، ۲۰۱۲: ۵). مسلماً، تا زمانی که فشار بسیار زیاد نشود، سناریوی جنگ جدید در خلیج فارس عملی نخواهد شد زیرا هزینه‌های دوره جنگ و پس‌از آن بسیار بالاست. لذا جمهوری اسلامی ایران حالت چهارم را می‌تواند تاندازه‌ای به‌عنوان مطمئن‌ترین راه انتخاب نماید و این امر نیز بستگی به هنر رهبران و دولتمردان ایران دارد که چگونه پایه‌های قدرت ملی را درک نموده، نسبت به شکوفایی و ارتقای آن همت گمارند و استراتژی‌ها و خط‌مشی‌ها و سیاست‌های مناسبی در اداره امور کشور چه در سطح داخل و چه در سطح خارج از مرزها برگزینند. این امر نیز مستلزم بروز تحول اساسی در بینش‌ها، نگرش‌ها، روش‌ها و منش‌ها است

نتیجه‌گیری

ایران از نظر جغرافیایی و فرهنگی، قلب خاورمیانه است. پیشینه فرهنگی ایران نسبت به سایر کشورهای این منطقه و هویت مذهبی آن و هم‌چنین قابلیت‌های اقتصادی و عملی ایران موجب تأثیرگذاری بالقوه هر چه بیشتر در منطقه و حتی تحولات جهانی شده است. ایران به‌عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب عالم از دیرباز مورد توجه کشورهای و تمدن‌های دنیا بوده است. این نقش ارتباطی میان‌قاره‌ای و مجاورت با خلیج فارس و تنگه هرمز که محل ترانزیت محموله‌های نفتی است، بر اهمیت و نقش مؤثر ایران در نظر ناظران خارجی افزوده، به طوری که هرگونه تحول سیاسی در آن موجب برانگیخته شدن حساسیت‌های جهانی می‌گردد. کشور ایران (که امروزه شاهد هستیم) تنها بخش کوچکی از سرزمین تاریخی ایران را تشکیل می‌دهد. سرزمین ایران در گذشته شامل پهنه وسیعی از طول و عرض جغرافیایی بوده که طی قرن‌ها به‌عنوان قلمرو فرهنگ و تمدن کهن ایرانی - اسلامی شناخته شده است. وسعت این سرزمین بسیار پهناورتر از سرزمین کنونی

ایران و شامل سرزمین‌های داخل فلات وسیع ایران و یا سرزمین‌های حاشیه فلات بوده است. از مهم‌ترین ویژگی این سرزمین استقرار آن در منطقه‌ای حائل است که بدان نقش برجسته گذرگاهی بخشیده است. گذرگاهی میان قاره‌های بزرگ جهان، میان چند قلمرو بزرگ جغرافیایی و میان چند حوزه دیرینه فرهنگی.

به سبب همین نقش در تعاملات دولت‌ها، مسیرهای ارتباطی میان قاره‌های کهن جهان (چه از طریق راه‌های زمینی، دریایی و اینک هوایی) به‌طور اجتناب‌ناپذیر از داخل و یا حاشیه این سرزمین عبور می‌کرده است. جاده ابریشم و تجارت ادویه و سایر اقلام و کالاهایی که مورد نیاز شرق و غرب جهان کهن بوده که چین و شبه‌قاره هند را به اروپا متصل می‌ساخت از گذشته‌های دور نقش برجسته‌ای به این سرزمین بخشیده بود. در سده گذشته با گسترش راه‌های دریایی و نیز منابع عظیم انرژی خلیج فارس به عرصه رقابت میان قدرت‌های بزرگ دریایی جهان تبدیل گشت. امروزه نیز با گسترش روزافزون هوانوردی و نیز مبادلات هوایی و اهمیت آسمان ایران به‌عنوان کوتاه‌ترین کریدور هوایی میان قاره‌ای، علاوه بر این که کاهش نیافته بلکه افزون‌تر نیز شده است. بنابراین «موقعیت گذرگاهی ایران به سبب نقش پراهمیت که در مبادلات منطقه‌ای ایفا می‌کند و هم‌چنین اثرات عمیقی که بر تحولات سیاسی - اقتصادی حوزه‌های وسیعی همچون آسیای مرکزی، شبه‌قاره و اقیانوس هند، بین‌النهرین و آناتولی وارد می‌کند، تبدیل به یک موقعیت حساس ژئوپلیتیکی گردیده است. از طرفی کشف ذخایر عظیم سوخت‌های فسیلی در بستر خلیج فارس و اعماق خاک کشورهای منطقه و نیز احتیاج و نیاز ضروری جهان صنعتی به این منابع موجب تردد هرروزه تعداد زیادی شناور حامل مواد سوختی از خلیج فارس و تنگه هرمز شده است و همین امر موقعیت ژئوپلیتیکی ایران را تبدیل به یک موقعیت ژئواستراتژیکی در جهان ساخته است به‌گونه‌ای که تعامل و انطباق موقعیت‌های ممتاز ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران در این منطقه، کشور ایران را به یکی از نواحی پراهمیت جهان بدل کرده است. در دوران جنگ سرد هم‌جواری ایران با مرزهای جنوبی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق به رهبری کمونیست از یک‌سو و حساسیت منطقه نفت‌خیز خلیج فارس و خاورمیانه و اهمیت بسیار زیاد این منطقه برای بلوک غرب و جهان صنعتی سبب شده بود تا ایران به‌عنوان

یک سرزمین حائل میان این دو بلوک و اردوگاه ایدئولوژیک از اعتبار خاصی برخوردار باشد. از این رو و با توجه به تحولات اساسی در نظام اقتصاد، سیاست و فرهنگ جهانی و پیوستگی جوامع و در هم تنیدگی سرنوشت سیاسی و اقتصادی بشر امروز تحت تأثیر امواج جهانی شدن، تحریک‌پذیری و واکنش کشورهای جهان را نسبت به تحولات غیرمتعارف در نظام بین‌الملل افزایش داده است. بنابراین با تأکیدی بر حفظ امنیت و ثبات نظام جهانی هر رویداد کم‌اهمیتی که در گوشه‌ای از جهان رخ بدهد، می‌تواند بازتاب‌های وسیع و گسترده‌ای از خود به جای بگذارد. با عنایت به این مطلب و نقش برجسته ایران در تحولات اخیر منطقه و نظام بین‌الملل، تحولات مربوط به ایران چه در سطح داخلی و چه بین‌الملل همواره از طرف قدرت‌های بزرگ و دولت‌های دیگر با حساسیت و دقت زیادی پیگیری می‌شود و نگرانی از احتمال وقوع هر بحرانی موجبات ناامنی در مسیرهای بزرگ دریایی را فراهم سازد. این موضوع بیانگر این است که جهان همواره علاقه‌مند ثبات و امنیت ایران بوده و از هر کوششی که به این هدف دست یابد پشتیبانی می‌کند. همان‌طور که اشاره شد این وضعیت از یک سو متضمن امنیت، ثبات و رشد اقتصادی است و از سوی دیگر در بردارند ناامنی بی‌ثباتی و عقیم گذاردن فرصت‌ها و ظرفیت‌هاست.

منابع

- اخباری، محمد؛ عبدی، عطاالله و مختاری، حسین. (۱۳۹۰). «موقعیت ژئوپلیتیک ایران و تلاش‌های امریکا برای تثبیت هژمونی خود در جهان» مطالعه موردی خاورمیانه»، *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، شماره ۷۵، صص ۲۳-۱.
- اسدیان، بیژن. (۱۳۸۱). *خلج فارس و مسائل آن*، تهران: انتشارات سمت.
- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۱). *مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- الهی، همایون. (۱۳۸۷). *خلج فارس و مسائل آن*، چاپ دهم، تهران: نشر قومس.
- انصاری، حسین. (۱۳۸۳). *تطبیق ژئوپلیتیک ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی*، نشریه سیاست روز.

باری بوزان. (۱۳۷۸). *مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.*

باقری، علی‌اکبر. (۱۳۸۹). *خلیج فارس و امنیت منطقه‌ای و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، خبرگزاری فارس، سایت بانک مقالات جهان اسلام کشورها، کشورهای اسلامی.*

پورطالب، روح‌الله. (۱۳۸۹). «جزایر سه گانه و نقش ایران در امنیت خلیج فارس، *ماهنامه خلیج فارس و امنیت مرکز مطالعات خلیج فارس.*

پورطالب، روح‌الله. (۱۳۸۹). «مسائل ژئوپلیتیکی، امنیتی، اقتصادی، دفاعی حوزه خلیج فارس»، *ماهنامه خلیج فارس و امنیت.*

تقوی اصل، عطا. (۱۳۸۴). *ژئوپلیتیک جدید ایران: از افغانستان تا گرجستان، تهران: وزارت خارجه.*

جالینوسی، احمد؛ البرزی، هنگامه؛ طباطبایی، یگانه. (۱۳۹۳). «نقش واگرایان آمریکا در منطقه خلیج فارس و تهاجم نظامی آمریکا به عراق»، *فصلنامه مطالعات جهان، دوره اول، ش ۱، صص ۲۳۱-۲۰۵.*

جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۸۹). «ژئوپلیتیک تنگه هرمز رابطه ایران و عمان»، *پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره سوم.*

جک. سی. پلینوو روی آلتون. (۱۳۷۱). *فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه حسن پستا، تهران: فرهنگ معاصر.*

حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۹۳). *خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، تهران: سمت.*

دبیری، محمدرضا. (۱۳۹۰). آیا بستن تنگه هرمز حق قانونی ایران است؟ ۲۳ آذر ۱۳۹۰ | ۱۹: ۴۳ کد: ۸۸۴۴ تاریخ دیپلماسی.

درايسدل آلاسداير، بلیک جرالداچ. (۱۳۸۶). *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر، چاپ پنجم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.*

ذوالفقاری، مهدی. (۱۳۹۰). *خلیج فارس؛ ایران و آمریکا؛ تهدیدها و فرصت‌های*

فراروی جمهوری اسلامی، روزنامه جمهوری اسلامی ایران.

زیو ماز. (۱۳۷۹). *امنیت منطقه‌ای*، ترجمه داود علمایی، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد.

شاهکویی، اسماعیل؛ موسی زاده، حسین؛ خداداد، مهدی؛ عمونیا سماکش، حمید. (۱۳۹۴). «جایگاه و نقش خلیج فارس در ژئوپلیتیک انرژی (با تأکید بر قدرت نفت و گاز غرب آسیا)»، *مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس*، مهر، دوره ۲، شماره ۵، صص ۳۰-۱۳.

شمس‌آبادی، علی. (۱۳۹۷). *بست‌تن تنگه هرمز در* <http://rahbordemoaser.ir/fa/allnews> شورای غیردولتی روابط خارجی مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۲.

صادقی، اکبر؛ سید جلال دهقانی فیروزآبادی؛ هادی آجیلی. (۱۳۹۸). «بایسته‌های دیپلماسی انرژی ایران در نظام اقتصاد سیاسی بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره ۱۱، شماره ۴۳، پاییز ۱۳۹۸، صص ۱۰۵-۷۳.

طایر، محمد. (۱۳۹۳). «تبیین علل اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز در امنیت ایران با تحلیل فرایند سلسله مراتبی ahp»، *علوم و فنون نظامی*، دوره ۱۰، ش ۲۷، بهار، صص ۱۶۲-۱۳۱.

عاشوری، غلامرضا؛ عزتی، عزت‌اله؛ مرتضایی، شیدا. (۱۳۹۷). «بررسی و تحلیل ساختار امنیتی خلیج فارس و تنگه هرمز در راستای الگوی امنیتی بازدارندگی با تأکید بر نقش راهبردی منطقه‌ای و بین‌المللی»، *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی)*: بهار، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۲۱۴-۱۹۱.

عبدالله خانی، علی. (۱۳۸۳). *کتاب امنیت بین‌الملل ۱: فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر تهران.

عزتی، عزت‌الله. (۱۳۹۲). *ژئوپلیتیک*، تهران: انتشارات سمت.

فتوحی، صمد؛ حسین پور، مریم؛ اسلام فرد، فاطمه. (۱۳۹۱). «خلیج فارس و نقش ژئوپلیتیکی آن در امنیت کشور»، *همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها*، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

کیانی وحید. (۱۳۹۴). «الزامات همگرایی منطقه‌ای در بین کشورهای حوزه خلیج فارس با تأکید بر دیپلماسی انرژی»، *مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس*، بهار، دوره ۲، شماره ۳، صص ۵۶-۴۱.

گودرزی، مهناز؛ محمدزاده، فرزاد. (۱۳۹۶). «جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئوآکونومیکی تنگه هرمز در سیاست منطقه‌ای ایران»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره ۶، ش ۲۱، پائیز، صص ۱۲۴-۱۰۳.

متقی، ابراهیم. (۱۳۸۹). «معضل امنیتی و نظریه‌های متعارض امنیت سازی در خلیج فارس»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق علوم سیاسی. بهار ۱۳۸۹، دوره ۴۰، شماره ۱، صص ۲۲-۱.

مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۷۹). *ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی مطالعه روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون شونده*، تهران: نشر نی.

محمدی، غلامرضا. (۸۶/۶/۲۸). *تنگه هرمز هارتلاند جهان*، روزنامه کیهان، شماره ۱۸۹۰۳.

محمدی، تورج و بادینلو، حسین. (۱۳۹۸). اهمیت استراتژیک تنگه هرمز از منظر حقوق بین‌الملل (با تأکید بر انرژی) در وبلاگ عقل و اندیشه: <http://turajmohammadiiii.blog.ir>

منتظران، جاوید. (۱۳۹۷). بررسی انسداد تنگه هرمز از سوی ایران از نگاه حقوق بین‌الملل، انتشار در شبکه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی <http://npps.ir>؛ منتظران، جاوید. (۱۳۹۸). بررسی حقوقی توقیف کشتی انگلیس، انتشار در شبکه مطالعات سیاست‌گذاری عمومی <http://npps.ir>؛

مورگان پاتریک ام. (۱۳۸۰). *نظم‌های منطقه‌ای امنیت سازی در جهان نوین*، ترجمه سید جلال دهقانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

میرزاخانی سیلاب، رسول؛ زواری، سید عبدالحمید. (۱۳۹۵). «تأثیرات بین‌المللی بر روی فرآیندهای سیاست‌گذاری داخلی الگوهای امنیتی حاکم بر تنگه هرمز و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای»، *فصلنامه سیاست*، سال سوم، شماره ۱۱، پائیز، صص ۴۷-۳۱.

هاشمی، فاطمه. (۱۳۹۰). «امنیت پایدار در خلیج فارس: موانع و سازوکارها»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال هفتم، شماره اول.

هرسیج، حسین؛ تویسرکانی، مجتبی؛ جعفری، لیلا. (۱۳۸۸). «ژئوپلیتیک قدرت نرم ایران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال چهارم، شماره دوم، صص ۴۵-۲۳.

واعظی، محمود. (۱۳۸۵). *ترتیبات امنیتی خلیج فارس*، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی.

Webster's Third New International Dictionary of the English Language, Unabridged was published in September 1961. It was edited by Philip Babcock Gove and a team of lexicographers who spent 757 editor-years and \$3.5 million. Wikipedia.

A Lobel. (2018). Middle East, such diagnoses—and the impossibility of peace that they ... create a sustainable order in the region and the latest paroxysms of violence. ... Misunderstands the history of state formation not only in the Middle East but in Europe as a friendly government looking to consolidate its power over a fractured state in: <https://bipartisanpolicy.org/wp-content/uploads/2018/12/Ethno-Sectarianism-and-Political-Order-in-the-Middle-East.pdf>.

Amiri, Abbas. (2014). (ed.) the Persian Gulf and Indian Ocean in International Politics (2015). Tehran: Edu/ted/ice/hormus. htm. 2014.

Anthony H. Cordesman, Iran, Oil, and strait of Hormuz, Center for Strategic and Mark J. Valencia, “U. S. Hypocrisy in The Strait of Hormuz”, Policy Frum Online.

Ashraf Saeed EL-Essawy. (2014). “The [Persian] Gulf of the Twenty-First Century towards a Comprehensive Security Strategy”, the Persian Gulf Report, summer 2014.

Bates Gill (2011). Confidence building and arms control in a Middle East security regime. 26. 4. A way ahead. 37. 5. Towards a regional security regime for the Middle East:

- <https://www.sipri.org/sites/default/files/files/misc/SIPRI2011Jones.pdf>.
- Christopher Hoch (2011). The Strait of Hormus Potential for Conflict, <http://www.emerican>.
- Goldstone (2011). The Arab Awakening: America and the Transformation of the Middle East. Washington, D.C. Thursday, November 17, 2011. PARTICIPANTS.
- Iipes, (2013). International Studies, March 26, 2013. Nautilus Institute, <http://www.nautilus.org/fora/-security>. o 8213 velencia ht, l. 2013/01/27.
- Nora Bensahel and Daniel L. Byman(2004). The future security environment in the Middle East: conflict, stability, and political change in: https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monograph_reports/2005/MR1640.pdf.
- Norman Friedman (2013). the U. S. Maritime Strategy, London: 2011, p. 57.
- North African Studies, Limited, 2013, p. 35.
- PM Rayman (2016). applicable to the Middle East and North Africa region and ... conditions for sustainable peace and lasting economic and social security. ... The various case studies as well as within each nation. Egypt. Egypt does not yet have a 1325 NAP.
- R. K. Ramazani (2012). The Persian Gulf and the Strait of Hormuz, Netherlands: Noordhoff.
- Reporting by Ahmad Ghaddar; Editing by Kirsten Donovan (2019). Our Standards: The Sources: Reuters/Energy Information Administration
- Stratford Worldview(2018). Why Iran Is Threatening to Close the Strait of Hormuz in: <https://www.realcleardefense.com/>.
- U.S. Energy Information Administration analysis based on Lloyd's List Intelligence, Panama Canal Authority, Argus FSU, Suez Canal, July 25, 2018.
- US Energy Information Administration, Levelized cost and levelized avoided cost of new generation resources in the Annual Energy Outlook 2019, 26 January 2019.